

ارتقاء بهره‌وری با تکیه بر اقتصاد مقاومتی و افزایش توان رقابتی در عرصه جهانی

محمد رضا پورصاحبی^۱، الیاس نعمتی^۲، افسانه باقریان^۳

Elyas.Nemati@yahoo.com

چکیده

مقاله حاضر نخست نگاهی اجمالی به مفاهیم و شناخت بهره‌وری، توان رقابتی و جایگاه آن‌ها در اقتصاد مقاومتی و سیاست‌های کلی ابلاغی و ارتباط بین آن‌ها دارد. سپس با نگاهی ویژه‌تر، تأثیر فن‌آوری، علی‌الخصوص فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات در دو مفهوم بهره‌وری و توان رقابتی در آن بررسی شده است. با شناخت عوامل مؤثر در ارتقاء، سیاست‌ها و اهداف آن دو، تأثیر بهره‌وری در توان رقابتی اقتصاد جامعه مورد ارزیابی قرار گرفته است. تکیه بر اقتصاد مقاومتی، به جای اقتصاد نفتی، پلی است که کشور را به ارتقاء بهره‌وری و افزایش توان رقابتی (رقابت‌پذیری) در جهان امروز و فردا رهنمون می‌نماید.

واژه‌های کلیدی: بهره‌وری^۴، خدمات^۵، اقتصاد مقاومتی^۶، رقابت‌پذیری^۷

مقدمه

بهره‌وری از مفاهیم علم اقتصاد و مدیریت است. بهره‌وری عبارت از به دست آوردن حداکثر سود ممکن، با بهره‌گیری و استفاده بهینه از نیروی کار، توان، استعداد و مهارت نیروی انسانی، زمین، ماشین، پول، تجهیزات، زمان، مکان و غیره، به منظور ارتقاء رفاه جامعه می‌باشد.

می‌توان گفت برای نخستین بار لغت «بهره‌وری» توسط فردی به نام «کوئیزی» در سال ۱۷۷۶ میلادی بکار برده شد. بیش از یک قرن بعد یعنی در سال ۱۸۳۳ میلادی فردی به اسم «لیتر» بهره‌وری را «قدرت و توانایی تولید کردن» تعریف کرد. واژه بهره‌وری با گسترش انقلاب صنعتی و جهت افزایش سودمندی حاصل از نیروی کار، سرمایه و مواردی از این دست گسترش یافت.

بهره‌وری به معنای استفاده مفید و مؤثر از عوامل تولید همچون تجهیزات و نیروی کار و عوامل مؤثر دیگری نظیر زمان است. عوامل مؤثر در بهره‌وری فردی و یا سازمانی هستند. به عنوان مثال افزایش سطح سواد و دانش و حتی میزان سلامت جسمی و روحی و مهارت‌های فردی جزو عواملی تأثیرگذار بر بهره‌وری می‌باشند. از سوی دیگر نظام سازمانی یعنی اصول و قوانین، ساختار تشکیلاتی، ساختار تشکیلاتی، سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها، روش‌های انجام کار و دستورالعمل‌های خاص حاکم بر یک سازمان، بر کارایی و در نتیجه آن بهره‌وری اثر می‌گذارد. در یک سازمان پویا، به منظور افزایش بهره‌وری نیروی انسانی، آموزش

1 کارشناس ارشد مدیریت فناوری اطلاعات و مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب

2 دانشجوی دکتری مهندسی هوافضا دانشگاه تهران و مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق (قیام دشت)

3 کارشناس شیمی و دبیر منطقه 14 آموزش و پرورش شهر تهران

4 Productivity

5 Service

6 Resistive Economy

7 Competitiveness

شغلی مستمر مدیران و کارکنان، افزایش انگیزش و ایجاد زمینه‌های مناسب به منظور بروز ابتکار و خلاقیت مدیران و کارکنان، برقراری نظام مناسب پرداخت مبتنی بر عملکرد و برقراری نظام تشویق و تنبیه مناسب در دستور کار قرار می‌گیرد. پس با ارتقای بهره‌وری، با همان مقدار عوامل قبلی ورودی، به خروجی بیشتری دست می‌یابیم.

بهره‌وری، استفاده مؤثر و کارآمد از ورودی‌ها یا منابع برای تولید یا ارائه خروجی‌ها است. ورودی‌ها یا نهاده‌ها، منابعی (نظیر انرژی، مواد اولیه، سرمایه و نیروی کار) هستند که برای خلق خروجی یا ستانده (که عبارت است از کالاهای تولید شده با خدمات ارائه شده توسط یک سازمان) استفاده می‌شوند.

بهره‌وری برای هر کشور و سازمانی، ضروری بوده و اساس رشد اقتصادی است. بهره‌وری، تولید ناخالص داخلی را افزایش داده، رقابت‌پذیری را بیشتر می‌کند و در نهایت باعث زندگی بهتر می‌شود.
بر اساس تعاریف استانداردهای مدیریت کیفیت:

$$\text{بهره وری}^8 = \text{اثربخشی}^9 \times \text{کارآیی}^{10}$$

به عبارت دیگر بهره‌وری عبارت است از تحقق همزمان اثربخشی و کارآیی. برای مثال وقتی تنها نیمی از اهداف یک فعالیت (اثربخشی پنجاه درصد) با دو برابر منابع لازم (کارآیی پنجاه درصد) محقق شود، بهره‌وری بدست آمده بیست و پنج درصد خواهد بود. دکتر جوران در هندبوک خویش درست انجام دادن کار درست را بهره‌وری قلمداد می‌کند.
بهبود بهره‌وری، مسئولیت اصلی مدیریت است. افزایش بهره‌وری بدون شناخت و تحلیل آن مقدور نیست. اندازه‌گیری یک روش دستیابی به شناخت قابل اطمینان است. اندازه‌گیری بهره‌وری به ما کمک می‌کند تا عوامل مؤثر در بهبود بهره‌وری را شناسایی کرده و دریابیم که فرصت‌های افزایش بهره‌وری را در کجا جستجو کنیم. اهمیت اندازه‌گیری بهره‌وری به حدی است که بر اساس تجربیات به دست آمده در کشورهای صنعتی گفته می‌شود:
«می‌توان صرفاً با برقراری و اجرای یک سیستم اندازه‌گیری بهره‌وری و حتی بدون هیچ‌گونه تغییری در سازمان یا سرمایه‌گذاری، گاهی 5 تا 10٪ بهره‌وری را افزایش داد».

بهره‌وری در بخش خدمات

بخش خدمات یکی از بخش‌های اصلی اقتصاد هر کشور است. کشورهای پیشرفته جهان پس از مجهز شدن به نیروی صنعت، معدن و کشاورزی، اکنون به اهمیت روزافزون خدمات به عنوان نیروی محرکه رشد و ترقی پی برده‌اند. سهم روزافزون خدمات در تولید ناخالص ملی، اشتغال، هزینه مصرف شخصی و بازرگانی خارجی، گواه این مدعا است. هم اکنون خدمات حداقل نیم تا سه چهارم تولید ناخالص ملی و اشتغال این کشورها را تشکیل می‌دهد.
تنها سهم بخش خدمات از تولید ناخالص داخلی نیست که با اهمیت است، بلکه این واقعیت که بخش خدمات در حال تبدیل شدن به عامل رقابتی تعیین‌کننده در بازارهای جهانی است، نیز اهمیت این بخش را بیش از پیش آشکار می‌کند.

لذا بهبود بهره‌وری در بخش خدمات، تاثیر زیادی بر رشد و توسعه اقتصادی و همچنین افزایش توان رقابتی کشورها خواهد داشت. همچنان که گفتیم، پیش‌نیاز بهبود بهره‌وری، اندازه‌گیری آن است. در ادامه مفاهیم مرتبط با بخش خدمات و اندازه‌گیری بهره‌وری در این بخش بیان می‌شود.

برای شناخت بخش خدمات باید ابتدا «خدمت» را شناخت. «خدمت» یعنی کالایی اقتصادی و غیر فیزیکی که شخص، بنگاه یا صنعت برای استفاده دیگران تولید کرده است و هر بنگاهی که محصول آن، کالایی غیر مرئی و غیر ملموس باشد. به عنوان یک بنگاه خدماتی شناخته می‌شود. بخش خدمات بسیار گسترده بوده و معمولاً در برابر بخش تولید مطرح می‌شود. این دو بخش شالوده اقتصاد هر کشور را تشکیل می‌دهند. به طور سنتی چند ویژگی در مورد خدمات ذکر می‌کنند که آن‌ها را از کالاها و محصولات فیزیکی (خروجی‌های بخش تولید) تفکیک می‌کند. این ویژگی‌ها عبارتند از:

- در خدمت یک تجربه یا محصول نامشهود و غیر فیزیکی ارائه شده و به فروش می‌رسد
- خدمات قابلیت ذخیره شدن ندارند
- خدمت از ذی‌نفع آن جدایی‌پذیر نبوده و نمی‌تواند مورد دادوستد جدید واقع شود
- بین ارائه خدمت و مصرف آن، فاصله زمانی وجود ندارد
- خدمت به عنوان یک محصول از فرآیند آن قابل تمیز نیست

بنابراین، مشاهده می‌شود که خدمت، ماهیتی متفاوت از کالا دارد و همین تفاوت در ماهیت باعث شده است که مطالعه آن قدری پیچیده باشد.

به صورت تئوریک، تعریف بهره‌وری در بخش خدمات همانند بهره‌وری در بخش تولید بوده و عبارت از نسبت خروجی (ستانده) به ورودی (نهاده) است؛ اما مشکل اصلی در سنجش بهره‌وری خدمات در عمل، نحوه تعریف و اندازه‌گیری خروجی نهایی است. بسیاری از سازمان‌های خدماتی فاقد خروجی ملموس و فیزیکی هستند. لذا تعریف خروجی، معیارها و شاخص‌های اندازه‌گیری خروجی در بخش خدمات از پیچیدگی بیشتری نسبت به بخش تولید و صنعت (که خروجی آن‌ها به صورت کالا و محصولات فیزیکی است) برخوردار بوده و نیازمند دقت و کنکاش بیشتری است.

از سوی دیگر، هر نوع خدمت دارای خصوصیات و مسیر حرکت مجزا و مخصوص به خود بوده و اهداف، مقاصد و روش‌های هر یک با دیگری متفاوت است. لذا معیارهای بهره‌وری در خدمات مختلف، متفاوت است.

ابزارهای اندازه‌گیری بهره‌وری

بهره‌وری در حقیقت یک معیار کارایی است. مسلماً اندازه‌گیری کارایی، بسیار دشوار است در خط تولید، کارایی را می‌توان به راحتی بر اساس تخمین حجم فیزیکی خروجی‌ها و ورودی‌های به کار رفته در تولید خروجی‌های مزبور، اندازه‌گیری کرد. اما اندازه‌گیری کارایی یک سازمان یا شرکت خدماتی بسیار دشوار است. حتی در بعضی موارد ممکن است اندازه‌گیری دقیق کارایی غیرممکن باشد. این امر به دلیل این واقعیت است که نهاده‌های به کار رفته در خلق خدمات (ستانده)، ماهیتاً نامتجانس بوده و همچنین قابل اندازه‌گیری نیستند. با وجود این، تلاش‌هایی برای توسعه تکنیک‌های اندازه‌گیری بهره‌وری، صورت گرفته است. تاکنون تکنیک‌های زیادی در این ارتباط توسعه یافته‌اند. این تکنیک‌ها را می‌توان تحت دو عنوان کلی روش‌های سنتی / قدیمی و روش‌های ساختار یافته / مدرن، دسته‌بندی کرد:

الف - معیار بهره‌وری جزئی: بهره‌وری جزئی، میزان ستانده به ازای هر واحد از یک نهاد منفرد (مثلاً ارزش افزوده به ازای هر کارمند) را اندازه می‌گیرد.

ب - معیار بهره‌وری جزئی توأم با ضریب سطح کیفیت: در اینجا بهره‌وری از حاصل ضرب ضریب سطح کیفیت در معیار بهره‌وری جزئی به دست می‌آید. ضریب سطح کیفیت بین صفر تا یک متغیر است. از این ضریب برای منظور کردن تأثیر کیفیت خدمت بر بهره‌وری استفاده می‌شود.

ج - معیار بهره‌وری کل عوامل: در این روش تنها یک معیار واحد مطرح بوده و در محاسبه آن سعی می‌شود که از کلیه نهاده‌های مهم و مجموع ستانده‌ها (البته ستانده‌های خالص) استفاده شود.

د - شاخص بهره‌وری: عبارت است از نسبت معیار بهره‌وری جزئی در دوره جاری به معیار بهره‌وری جزئی در دوره زمانی مبنای این معیار به مدیریت امکان می‌دهد که بهره‌وری دوره جاری را با بهره‌وری دوره مبنای مقایسه کند. اگر بهره‌وری کاهش یابد، مدیریت متوجه می‌شود که باید برای بهبود اقدام کند.

روش‌های ساختار یافته

الف - فرآیند تحلیل سلسله مراتبی: یک تکنیک مدیریتی است که توسط پرفسور «توماس ساعتی» در اوایل دهه هفتاد میلادی در آمریکا مطرح شد. برای استفاده از این فرآیند، تحلیلگر باید هدف کلی را مشخص کرده و معیارهای دستیابی به آن هدف را انتخاب کند. فرآیند تحلیل مستلزم آن است که تحلیلگر مقایسه ذهنی در مورد اهمیت نسبی معیارهای مختلف در دستیابی به هدف کلی انجام دهد. سپس تحلیلگر باید سلسله مراتبی از معیارهای تصمیم‌گیری یا عوامل مؤثر بر تصمیم ایجاد کند، به طوری که عوامل یا معیارهای خاص‌تر یا جزئی‌تر در قسمت‌های پایین‌تر سلسله مراتب قرار گیرند. در انت‌های سلسله مراتب نیز، گزینه‌های نهایی تصمیم‌گیری یا اهداف ارزیابی قرار می‌گیرند. این فرآیند با محاسبه اولویت‌ها یا وزن‌های نسبی در هر سطح از سلسله مراتب، رتبه کلی یا سراسری هر یک از گزینه‌های تصمیم یا اهداف ارزیابی را تعیین می‌کند.

بسیاری از مسائل کسب و کار پیچیده بوده و نمی‌توان آن‌ها را به راحتی با استفاده از روش‌های کمی حل کرد. این فرآیند راهکاری شهودی و در عین حال علمی برای حل مسائل پیچیده کیفی در بسیاری از شرکت‌های خدماتی ارائه می‌کند. کیفیت حل و زمان مورد نیاز برای یافتن حل با توجه به منابع مورد نیاز در فرآیند حل، بسیار مناسب است. فرآیند تحلیل سلسله مراتبی در بخش خدمات، کاربردهای متعددی دارد، از جمله:

- ارزیابی عملکرد کارکنان حرفه‌ای
- تجدید ساختار سازمانی
- گزینش تجهیزات اطلاعاتی
- ارزیابی پروژه بهره‌وری
- انتخاب بازار هدف
- برنامه‌ریزی استراتژیک
- انتخاب مکان فروش (خرده‌فروشی)

ب- تحلیل پوششی داده‌ها: تکنیک مشهور دیگر در علم مدیریت است. از این تکنیک برای اندازه‌گیری کارایی نسبی واحدهای عملیاتی، (با اهداف و منظوره‌های یکسان) استفاده می‌شود. واحدهای عملیاتی اکثر سازمان‌ها دارای نهاده‌های متعدد (نظیر تعداد کارکنان، حقوق، ساعت‌های عملیات، بودجه تبلیغات) و همچنین ستانده‌های متعدد (نظیر سود، سهم بازار و نرخ رشد) هستند. در این گونه موارد برای مدیریت تعیین واحدهای عملیاتی ناکارآمد در تبدیل نهاده‌های چندگانه به ستانده‌های چندگانه معمولاً دشوار است. این روش به عنوان ابزاری قدرتمند برای اندازه‌گیری بهره‌وری فرآیندهای دارای نهاده‌ها و ستانده‌های چندگانه، شناخته شده است. هم اکنون از تحلیل پوششی داده‌ها در اندازه‌گیری انواع خدمات استفاده می‌شود، از جمله:

- کارآیی نسبی پزشکان یک بیمارستان
- کارآیی نسبی کلینیک‌های بهداشت عمومی
- کارآیی نسبی شعبات یک بانک
- کارآیی نسبی فروشگاه‌های زنجیره‌ای غذای آماده
- تحلیل بهره‌وری بیمارستان‌های دولتی و خصوصی

ج- تحلیل شکاف: مدلی مفهومی است که توسط پروفیسور پارسورامن و همکارانش در 1985 و 1988 در آمریکا مطرح شده است. تحلیل شکاف ابزاری مدیریتی برای اندازه‌گیری کیفیت خدمات است؛ که در آن از یک فرآیند تحلیلی صرف در جمع‌آوری دریافت‌ها و انتظارات مشتریان، کارکنان خدماتی و مدیران استفاده می‌شود، تا شکاف میان گروه‌های مزبور در صورت وجود مشخص شود. پنج نوع شکاف در این مدل باید تجزیه و تحلیل شود. اگر هر یک از شکاف‌ها از سطح پیش تعریف شده، فراتر رود، کیفیت خدمت رضایت‌بخش نیست، لذا برخی اقدامات اصلاحی برای بهبود کیفیت خدمات باید انجام شود. از تحلیل شکاف در تحلیل کیفیت خدمات بانک‌ها، فروشگاه‌های بزرگ، خدمات دولت در ازای پرداخت مالیات، مسیرهای مهم خطوط هوایی داخلی و غیره استفاده شده است.

هدف‌گذاری

صنایع خدماتی با یکدیگر تفاوت داشته و ماهیتاً یکسان نیستند. این صنایع بر اساس میزان سرمایه‌گذاری، به کارگیری نیروی انسانی، فرآیند تولید، خدمات ارائه شده و غیره، متفاوت بوده و لذا اهداف آن‌ها نیز متفاوت است؛ بنابراین، تعیین اهداف یک سازمان خدماتی، تابعی از متغیرهای مختلف خواهد بود.

سازمان خدماتی با تحلیل نقاط قوت و ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها از نظر اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و تکنولوژیکی به تعیین اهداف خود جهت برآورده کردن نیازها و خواسته‌های مشتریان، سهامداران و سایر افراد ذی‌نفع، مبادرت می‌ورزد. هدف سازمان باید به صورت واقع‌بینانه تعیین شده و دارای ویژگی‌های زیر باشد:

- اختصاصی و قابل بسط
- قابل اندازه‌گیری
- دست‌یافتنی
- واقع‌بینانه
- دارای افق زمانی

راهکارهای بهبود بهره‌وری

عملکرد بخش خدمات بر بهره‌وری بخش تولید تأثیر می‌گذارد. از سوی دیگر هر دو بخش به هم وابسته بوده و خروجی یک بخش، ورودی بخش دیگر است. مطالعات انجام شده، نشان می‌دهد که بخش تولید حداقل به میزان 25٪ به بخش خدمات وابسته است. لذا حتی برای بهبود بهره‌وری بخش تولید لازم است که بهره‌وری بخش خدمات افزایش یابد؛ بنابراین، بهبود بهره‌وری در بخش خدمات، موضوعی کاملاً جدی است. پیش‌نیاز بهبود بهره‌وری در بخش خدمات، اندازه‌گیری بهره‌وری است. با اندازه‌گیری بهره‌وری در بخش خدمات، می‌توان سطح بهره‌وری و اثربخشی تلاش‌های بهبود بهره‌وری را معین کرد. برای اندازه‌گیری بهره‌وری باید نواحی بهبود بهره‌وری را شناسایی کرده و انعطاف‌پذیری عملیاتی را از نظر به کارگیری فرآیند و نیروی انسانی، تقویت کرد. اندازه‌گیری بهره‌وری باید هم در سطح افراد و هم در سطح سازمانی باشد. در سطح سازمانی، اندازه‌گیری بهره‌وری باید شامل مراحل زیر باشد:

- 1- شناسایی خدمات اصلی سازمان مربوطه
- 2- تعیین شاخص‌های کارایی / بهره‌وری. شاخص‌ها باید مبتنی بر خدمات اصلی فروخته شده توسط سازمان باشد. بهتر است برای هر نوع خدمت، شاخص‌های مختلفی تعریف شود. در تعیین شاخص‌ها باید به نکات زیر توجه کرد:
 - الف- اطلاعات موردنیاز در دسترس بوده و جمع‌آوری آن آسان باشد
 - ب- شاخص‌های انتخابی باید شفاف بوده و فهم آن آسان باشد
 - ج- در شاخص‌ها از متغیرهای هزینه، کیفیت و زمان استفاده شود
- 3- جمع‌آوری اطلاعات (اطلاعات خدمت اصلی باید مرتباً جمع‌آوری شود)
- 4- ارزیابی بهره‌وری جاری
- 5- هر سال باید داده‌ها جمع‌آوری شده و مرتباً ارزیابی شوند. در ارزیابی باید رئیس سازمان و کارمندان با هم همکاری کنند. اگر احساس شود که بهره‌وری در حال کاهش است، لازم است دلایل این امر بررسی شده و اقدامات اصلاحی انجام شود.

اندازه‌گیری بهره‌وری فردی باید در مراحل زیر انجام شود:

- 1- تعیین خدمت انجام شده توسط فرد مورد نظر
 - 2- تعریف استاندارد عملکرد یا نرم‌های کار برای هر واحد از خدمات ایجاد شده
 - 3- جمع‌آوری اطلاعات بر اساس استانداردها / نرم‌های بهره‌وری
- بر اساس داده‌های جمع‌آوری شده، سطوح فعلی بهره‌وری افراد را می‌توان تعیین کرد. برای افزایش پاسخگویی به مشتریان، باید بهبود بهره‌وری کل (نه بهره‌وری جزئی) در بخش خدمات را مدنظر داشت. برای دستیابی به این هدف باید تلاش شود که از کلیه نهادهای مهم و از مجموع ستانده‌ها در قالب یک معیار واحد استفاده شود.
- متدولوژی 12 مرحله‌ای زیر که توسط راسن در آمریکا معرفی شده است، می‌تواند در بهبود بهره‌وری کل در بخش خدمات مفید فایده باشد:

- 1- انتخاب واحد کاری یا سازمان برای اندازه‌گیری

2- انجام ارزیابی‌های مقدماتی:

الف- آیا کارشناسان اندازه‌گیری در دسترس هستند؟

ب- آیا حمایت لازم برای سوق دادن بنگاه به اندازه‌گیری وجود دارد؟

ج- چه کسانی درگیر این مسئله می‌شوند؟

د- به چه کسانی باید گزارش داده شود؟

3- تعیین شالوده و اصول کار از طریق مباحثه و گفتگو با افراد مربوطه و جمع‌آوری معیارها

4- بررسی و مطالعه رسالت سازمان و شناسایی خدمات اصلی مرتبط با رسالت سازمان در واحد کاری با انتخاب یک یا چند

خدمت از میان خدمات فوق برای شروع کار اندازه‌گیری

5- تصمیم‌گیری برای تعیین چگونگی اندازه‌گیری ستانده (مقدار ستانده در چه واحدهایی و برای چه دوره زمانی

اندازه‌گیری شود؟)

6- تصمیم‌گیری برای تعیین نوع نهاد مورد استفاده؛ اندازه‌گیری بهره‌وری کل عوامل دشوار است. لذا بهتر است هر بار یکی

از منابع مدنظر قرار گیرد که اغلب موارد نیروی کار است. باید مشخص کرد که چه واحدهایی از نهاد در تولید ستانده

نقش دارد

7- تصمیم‌گیری برای تعیین روش جمع‌آوری داده‌های کمی نهاد و ستانده و سپس جمع‌آوری داده‌ها

8- اگر تنها معیار کارایی مدنظر است، در این مرحله توقف کرده و نسبت خروجی به ورودی محاسبه می‌شود

9- اگر کیفیت هم مهم باشد باید تصمیم‌گیری کرد که:

الف- چه معیارها و ملاک‌هایی استفاده شود

ب- چه وزنی به هر معیار داده شود

ج- سطح استاندارد یا ایده‌آل هر معیار چقدر باشد

10- تصمیم‌گیری برای تعیین چگونگی جمع‌آوری اطلاعات هر معیار و جمع‌آوری آن‌ها

11- به هر معیار بر اساس نسبت کیفیت حاصل شده به کیفیت مطلوب، نمره کیفیت داده شود؛ در صورت نیاز به

رتبه‌بندی کلی کیفیت، باید نمرات مزبور را پس از اعمال وزن‌های مربوطه با هم جمع کرد. بدین ترتیب نمره کیفیت

کل به دست می‌آید

12- برای محاسبه بهره‌وری (با در نظر گرفتن کیفیت)، میزان ستانده (O) در نمره کیفیت کل (K) ضرب و بر میزان

نهاد (I) تقسیم می‌شود.

در گذشته اتکای فعالیت‌های مربوط به بهره‌وری، بر عملیات تولیدی بوده است؛ اما امروزه خدمات از نظر هزینه (برای حفظ

قابلیت رقابت) و از نظر بهره‌وری کارگران خدماتی، به عنوان عامل مهمی برای موفقیت شرکت مدنظر قرار می‌گیرد. در حقیقت،

رشد بهره‌وری کارگران خدماتی و بخش خدمات، زیربنای سلامت کل اقتصاد را با فراهم آوردن نیروی لایق برای بخش تولید و

تقاضا برای محصولات آن، محکم می‌سازد. مدیران ژاپنی با تشخیص این نکته، توجه خود را به طور روزافزون بر تأمین نیروهای

لایق کارآمد در بخش‌های اداری و بهبود فرآیندهای کار در عملیات دفتری معطوف داشته‌اند. این تلاش‌ها، مکمل سرمایه‌گذاری

روزافزونی است که در اتوماسیون اداری و مدرنیزه کردن امکانات صورت می‌پذیرد.

بخش خدمات در کشور ما نیز رشد قابل ملاحظه‌ای داشته است. طبق برآوردهای صورت گرفته در سال 2001 میلادی، سهم این بخش از کل تولید ناخالص داخلی 11 کشور 56 درصد بوده و بدین ترتیب بزرگ‌ترین بخش اقتصادی کشور را تشکیل می‌دهد. گسترش بخش خدمات، به این معنا است که عملکرد آن، تأثیر بسزا و روزافزونی روی اقتصاد خواهد داشت. رشد ضعیف بهره‌وری در این بخش، بهره‌وری اقتصاد در سطح کلان را به طور اجتناب‌ناپذیری تنزل می‌بخشد. علاوه بر این، فقدان یک بخش خدماتی کارآمد که از دانش و تکنولوژی بالایی برخوردار باشد، تلاش‌های خردگرایانه در بخش تولید را ضعیف خواهد کرد؛ بنابراین، لازم است مسئولان و سیاست‌گذاران اقتصادی کشور، توجه بیشتری به بخش خدمات کرده و بهبود بهره‌وری در این بخش را در اولویت قرار دهند.

اقتصاد مقاومتی

بیان تعریفی مختصر از این عبارت به ظاهر نوپدید- اما به واقع خیر- کار دشواری است. به نظر می‌آید مجموعه‌ای از بایدها و نبایدهای نسبتاً کلان اقتصادی با توجه به شرایط خاص و متعدد کشور باشد.

سیاری از اصول مطرح شده در آن اصولی پذیرفته شده و بلکه اجرا شده در دیگر جوامع است. وجوه تمایز آن نسخه بومی استفاده شده در شرایط فعلی کشور ما می‌باشد. لذا میزان اهمیت برخی عوامل و اولویت‌بندی آن‌ها و چگونگی اجرایی شدن آن، شاید محل اصلی تفاوت این نظریه برای ما باشد. پس ابتدا نگاهی کلی به موضوع خواهیم داشت، سپس به مفهوم بهره‌وری در آن اشاره می‌کنیم.

بنا به تعریف برخی از اقتصاددانان از اقتصاد مقاومتی، این نوع اقتصاد معمولاً در رویارویی و تقابل با اقتصاد وابسته و مصرف‌کننده یک کشور قرار می‌گیرد که منفعل نیست و در مقابل اهداف اقتصادی سلطه، ایستادگی نموده و سعی در تغییر ساختارهای اقتصادی موجود و بومی‌سازی آن بر اساس جهان‌بینی و اهداف دارد. برای تداوم این نوع اقتصاد، باید هرچه بیشتر به سمت محدود کردن استفاده از منابع نفتی و رهایی از اتکای اقتصاد کشور به این منابع حرکت کرد و توجه داشت که اقتصاد مقاومتی در شرایطی معنا پیدا می‌کند که جنگی وجود داشته باشد و در برابر جنگ اقتصادی و همچنین جنگ نرم دشمن است که اقتصاد مقاومتی معنا پیدا می‌کند.

هست‌ها و نیست‌های اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی (مقاومت اقتصادی) ابتکار مقام معظم رهبری در برابر اقتصاد ریاضتی (ریاضت اقتصادی) کشورهای غیر مستقل با تعریف مکتبی مبتنی بر ادبیات انقلاب اسلامی ایران می‌باشد. مشخصات هست‌های آن عبارتند از:

- انعطاف‌پذیر و پویا است
- دعوت به رفاه بیشتر با الگوی مصرف است
- مرتبط با اقتصاد جهانی و متکی به توان داخلی است
- متناسب با امروز و فردای کشور ما است

همچنین در مقابل، می‌توان مشخصاتی برای نیست‌های اقتصاد مقاومتی بر شمرد:

- شکننده و متحجر نیست
- دعوت به ریاضت نیست
- قطع ارتباط با بیرون نیست
- تدبیر مقطعی برای شرایط تحریم نیست

محورهای اساسی اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی مفهومی است که در پی مقاوم‌سازی، بحران‌زدایی و ترمیم ساختارها و نهادهای فرسوده و ناکارآمد موجود اقتصادی مطرح می‌شود که قطعاً باور و مشارکت همگانی و اعمال مدیریت‌های عقلایی و مدبرانه، پیش شرط و الزام چنین موضوعی است. اقتصاد مقاومتی کاهش وابستگی‌ها و تأکید روی مزیت‌های تولید داخلی و تلاش برای خوداتکایی است. برخی محورهای اساسی و مهم اقتصاد مقاومتی عبارتند از:

حمایت از تولید ملی

تأکید مقام معظم رهبری بر ضرورت تداوم تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی، مبین سه وظیفه برای دولت، متصدیان تولید و مردم می‌باشد؛ سه حلقه‌ای که نحوه تعامل آن‌ها بر روی هم تأثیر مستقیم دارد و نتیجه نهایی آن به این تعامل و همدلی وابسته است؛ یعنی هرچه قدر که مردم را تشویق به خرید کالای داخلی کنیم ولی کیفیت تولید کالای داخلی پایین باشد، عملاً رغبتی از سمت مردم به خرید کالای تولید داخلی نخواهد بود. اگر تولیدکننده هم برای تولید کالای باکیفیت همت کند ولی دولت و سیستم بانکی کشور، خدمات پولی و مالی ارائه ندهند و یا قوانین اقتصادی، فضای کسب و کار را سخت کند و یا مردم نسبت به کالای داخلی بی‌رغبت باشند، باز هم نتیجه منفی خواهد بود. لذا باید تمامی ارتباطات این سه حلقه باهم اصلاح شده و در راستای افزایش تولید ملی بهبود پیدا کند.

سیاست‌های اصل 44 قانون اساسی

محدودسازی اقتصاد دولتی و آزادسازی اقتصاد از پیامدهای مهم اصل 44 قانون اساسی است. اقتصاد مقاومتی فعال و پویا نیازمند برنامه‌ریزی استراتژیک و راهبردی، مبتنی بر مردمی کردن اقتصاد از طریق میدان دادن بیشتر به فعالان بخش خصوصی و رفع موانع و مشکلات این بخش می‌باشد.

بخش خصوصی به عنوان موتور و محرک اصلی رشد اقتصادی و صنعتی است که با به‌کارگیری سرمایه خود و جذب و مشارکت سرمایه‌های غیردولتی، استفاده بهینه از منابع انسانی و اعمال مدیریت کارآمد، ضمن ایفاء نقش خود در رشد اقتصادی و صنعتی کشور، می‌تواند اهداف توسعه‌ای دولت را محقق نماید.

اقتصاد مقاومتی بر پایه و اساس سرمایه معنوی افراد و جامعه استوار است و بخش خصوصی بدون شک برترین بستر، برای همراهی مردم به عنوان اصلی‌ترین ارکان مقاومت در جامعه، برای ضد ضربه کردن اقتصاد در برابر تحریم‌هاست.

توجه به نخبگان و استفاده از فن‌آوری نوین

نخبه به فرد برجسته و کارآمدی اطلاق می‌شود که اثرگذاری وی در تولید علم، هنر و فن‌آوری کشور محسوس باشد و هوش، خلاقیت، کارآفرینی و نبوغ فکری وی در راستای تولید دانش و نوآوری موجب سرعت بخشیدن به رشد و توسعه علمی و متوازن کشور گردد. زمانی که فن‌آوری‌های نوین مشمول تحریم قرار می‌گیرند و کشورهای دشمن اجازه نمی‌دهند این فن‌آوری‌ها به ایران برسند، اگر از نخبگان حمایت شود، می‌توان این فن‌آوری‌ها را تبدیل به فعالیت تجاری کرد. میدان دادن به نخبگان در عرصه صنعت، تجارت و کشاورزی، از ویژگی‌های اقتصاد مقاومتی است و نیز باید شرایط به گونه‌ای باشد که نخبگان بدون مانع کارهای خود را پیش برند. آنچه جای نگرانی است، تحریم خارجی نیست بلکه نگرانی در خصوص موانع تولید و تجارت در داخل کشور است که گاهی شدیدتر از تحریم‌ها عمل می‌کند.

اهداف اقتصاد مقاومتی

مهم‌ترین اهداف تحقق اقتصاد مقاومتی عبارتند از:

مهار سوداگری و فساد، گام اول تحقق اقتصاد پایدار

منظور از سوداگری، فعالیت‌های غیر مولدی است که از تلاطم‌ها و نوسان‌های بازار سوء استفاده نموده و بهره‌مندی‌هایی را نصیب برخی افراد می‌گرداند. در اقتصاد مبتنی بر دلالتی و سوداگری، بخش مولد بیشترین آسیب را دیده و ساز و کار اقتصاد به سمت حباب‌های قیمتی و نوسان‌های شدید سوق می‌یابد. چنین اقتصادی در مواجهه با فشار خارجی کمترین پایداری و مقاومت را داشته و به سرعت متلاشی می‌شود.

برخی سیاست‌های اجرایی مناسب ذیل این اصل عبارتند از: سیاست‌های کنترل زمین و مسکن، مبارزه با قاچاق و واردات غیرقانونی، ساماندهی فضای اطلاعاتی به منظور دسترسی یکسان آحاد جامعه به اطلاعات اقتصادی و...

مردمی سازی اقتصاد، ارتقاء مقاومت اقتصادی در برابر تحریم‌ها

برای این کار، در گام اول می‌بایست توانمندسازی آحاد مردم در دستور کار قرارگیری تا زمینه برای حضور مؤثر همه افراد در فعالیت‌های مولد اقتصادی فراهم شود. وحدت و همکاری میان فعالین می‌تواند به اشکال گوناگون شبکه‌سازی، خوشه‌سازی، زنجیره تأمین و... در دستور کار قرار گیرد. لیکن با محوریت نظم‌های جمعی میان فعالیت‌ها، آرمان‌های مردم‌سازی اقتصادی محقق شده و سطح پایداری و مقاومت اقتصادی در برابر تحریم‌ها و فشارها ارتقاء می‌یابد.

خلاصی از وابستگی به درآمد نفت، مصداق خوداتکایی

ساز و کارهای حوزه اقتصادی بایستی به گونه‌ای مورد بازبینی قرار گیرند که تمامی مواردی که وابستگی کشور را به دنبال دارد، شناسایی نموده و در خصوص آن تصمیم‌گیری نمایند. در موارد کم‌اهمیت‌تر می‌توان این حوزه‌ها را متنوع و متکثر نمود تا میزان وابستگی کشور کاهش یابد. در موارد خاصی نیز ممکن است جایگزین سازی کامل مد نظر قرار گیرد. از جمله سیاست‌هایی که در این خصوص قابل طرح هستند، جایگزینی درآمدهای جاری به جای نفت مانند مالیات و درآمدهای ترانزیتی و نیز گسترش شرکای تجاری از یک شریک عمده به چندین شریک کوچک‌تر می‌باشند.

اولویت‌بندی شرکای تجاری ایران

کشورهای منطقه و نیز کشورهای با همسویی ایدئولوژیک باید بر دیگران ترجیح داده شوند. از سویی کشورهای با همبستگی بیشتر، تمایل کمتری به ورود در توافقات طرفینی بر علیه یکدیگر دارند و از سوی دیگر، منطقه به سبب مواجهه با تهدیدات و فرصت‌های مشترک، امنیتشان به هم گره خورده است. در واقع بلوکی از کشورهای همسایه و مجاور به لحاظ جغرافیایی، با حجم اقتصاد و جمعیت بزرگ‌تر، پایداری بیشتر خواهد داشت. اگر کشور در زمینه‌های صنایع و رشته فعالیت‌های اولویت‌دار مثل غذا و دارو، پیشرفت کند به صادرکننده عمده مبدل شده و به پیشرفت‌های فنی و صنعتی بسیاری در این زمینه‌ها می‌تواند نائل شود، لذا بقای کشور تضمین شده و امکان تحریم و فشار به کشور کاهش می‌یابد. حوزه انرژی و صنایع نظامی نیز دو زمینه مهم دیگری هستند که بایستی مورد توجه ویژه قرار بگیرند. اولویت بعدی هم صنایع فرهنگی است. در این حوزه نیز به سبب رویکرد فرهنگی و گفتمان ساز انقلاب اسلامی می‌توان با تحرک و پویایی مناسب مبانی فرهنگی و تربیتی والای اسلامی را به جهان صادر نمود و مبنای فکری نظام سلطه را مورد چالش جدی قرارداد.

فرهنگ‌سازی اولویت تولید بر واردات و خرید کالای داخلی

علاوه بر ترویج و تبلیغ مفاهیم عام حوزه فرهنگ مقاومت همچون جهاد و مبارزه، در حوزه اقتصادی نیز بایستی مفاهیم فرهنگی مناسبی بسط و توسعه یابد. ترجیح تولید بر واردات و خرید کالای داخلی مسئله مهمی است که در بسیاری موارد با موانع فرهنگی روبروست. نفی تکاثر در عین تبلیغ کار و تولید ثروت، نفی اسراف در عین ترویج مصرف میانه و... نیز بایستی محور توجه قرار گیرند. بایستی به لحاظ فرهنگی چنان مسئله مطرح شود که جهاد اقتصادی همانند جهاد نظامی مد نظر قرار گرفته و فعالیت مفید اقتصادی امر مجاهدت در راه خدا را داشته باشد.

این‌ها گوشه‌ای از اهداف اقتصاد مقاومتی است که تنها با امتداد راه جهاد اقتصادی میسر خواهد شد. ایجاد شرایطی نسبتاً پایدار، اقتصادی ایمن و مقاوم و خودکفایی که آرزوی هر ملتی است.

نقش مردم در اقتصاد مقاومتی

نکته دیگر قبل از ورود به بحث بهره‌وری در اقتصاد مقاومتی، نقش مردم در پیاده‌سازی اقتصاد مقاومتی است که در اقدامات زیر اثرگذار است:

استفاده از ظرفیت نیروی انسانی کشور

در شرایط کنونی بیش از ۳۱ درصد جمعیت ایران در مقطع سنی ۱۵ تا ۲۹ سال هستند و این نشان‌دهنده وجود یک ظرفیت نیروی انسانی غنی است اما باید این نیروی انسانی را جهت‌دهی کرد و به صورت درست از آن بهره‌برداری کرد. اقتصاد کشور باید متکی بر نیروی انسانی داخلی باشد. به صورت ویژه تأکید بر فعال‌سازی قشرهای کم‌درآمد و متوسط است.

مدیریت مصرف

مردم باید در استفاده خود دو اصل را مد نظر قرار دهند. اصلاح الگوی مصرف و مصرف کالاهای داخلی. اصلاح الگوی مصرف به معنی استفاده صحیح از امکانات حاضر و با الگوی صحیح که سبب می‌شود محصولات موجود به نحوه صحیح مصرف شود. عدم اسراف و عدم تجمل‌گرایی از اصولی‌ترین پایه‌های این بحث هستند. مصرف کالاهای داخلی نیز یک حرکت دو طرفه

از سمت مردم و دولت را خواستار است. این حوزه اگر به صورت صحیح مدیریت شود منجر به پدید آمدن بازار رقابتی داخلی و رونق اقتصاد می‌شود. نمونه این بازار رقابت داخلی را می‌توان در اپراتورهای تلفن همراه مشاهده کرد که با به وجود آمدن بازار رقابتی شاهد ارتقاء سطح خدماتی اپراتورها هستیم. البته این به وجود آمدن بازار رقابتی امری آرام و زمان‌بر است و لازمه آن تقویت بازار داخلی از طریق خرید کالای داخلی است. این در حالی است که خرید کالای خارجی علاوه بر اینکه سبب خارج شدن سرمایه کشور به خارج می‌شود سبب کمک به کسانی که ما را تحریم اقتصادی کرده‌اند نیز می‌شود. لذا می‌بینیم که نسخه خاص اجرایی در مورد میزان مصرف کالای داخلی یا خارجی محل تفاوت نظر میان صاحب‌نظران می‌گردد.

سیاست‌های مرتبط نظریه اقتصاد مقاومتی با مفهوم بهره‌وری

در حالت کلی در دوازده محور، سیاست‌های اقتصاد مقاومتی مرتبط با بهره‌وری را بیان می‌کنیم:

- 1- تأمین شرایط و فعال‌سازی کلیه امکانات و منابع مالی و سرمایه‌های انسانی و علمی کشور به منظور توسعه کارآفرینی و به حداکثر رساندن مشارکت آحاد جامعه در فعالیت‌های اقتصادی با تسهیل و تشویق همکاری‌های جمعی و تأکید بر ارتقاء درآمد و نقش طبقات کم‌درآمد و متوسط.
- 2- پیشتازی اقتصاد دانش‌بنیان، پیاده‌سازی و اجرای نقشه جامع علمی کشور و ساماندهی نظام ملی نوآوری به منظور ارتقاء جایگاه جهانی کشور و افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش‌بنیان و دستیابی به رتبه اول اقتصاد دانش‌بنیان در منطقه.
- 3- محور قرار دادن رشد بهره‌وری در اقتصاد با تقویت عوامل تولید، توانمندسازی نیروی کار، تقویت رقابت‌پذیری اقتصاد، ایجاد بستر رقابت بین مناطق و استان‌ها و به‌کارگیری ظرفیت و قابلیت‌های متنوع در جغرافیای مزیت‌های مناطق کشور.
- 4- استفاده از ظرفیت اجرای هدفمندسازی یارانه‌ها در جهت افزایش تولید، اشتغال و بهره‌وری، کاهش شدت انرژی و ارتقاء شاخص‌های عدالت اجتماعی.
- 5- سهم بردن عادلانه عوامل در زنجیره تولید تا مصرف متناسب با نقش آن‌ها در ایجاد ارزش، به‌ویژه با افزایش سهم سرمایه انسانی از طریق ارتقاء آموزش، مهارت، خلاقیت، کارآفرینی و تجربه.
- 6- مدیریت مصرف با تأکید بر اجرای سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف و ترویج مصرف کالاهای داخلی همراه با برنامه‌ریزی برای ارتقاء کیفیت و رقابت‌پذیری در تولید.
- 7- افزایش قدرت مقاومت و کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد کشور از طریق:
 - توسعه پیوندهای راهبردی و گسترش همکاری و مشارکت با کشورهای منطقه و جهان به‌ویژه همسایگان
 - استفاده از دیپلماسی در جهت حمایت از هدف‌های اقتصادی
 - استفاده از ظرفیت‌های سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای.
- 8- افزایش ارزش افزوده از طریق تکمیل زنجیره ارزش صنعت نفت و گاز، توسعه تولید کالاهای دارای بازدهی بهینه (بر اساس شاخص شدت مصرف انرژی) و بالا بردن صادرات برق، محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی با تأکید بر برداشت صیانتی از منابع.

- 9- صرفه‌جویی در هزینه‌های عمومی کشور با تأکید بر تحول اساسی در ساختارها، منطقی سازی اندازه دولت و حذف دستگاه‌های موازی و غیرضروری و هزینه‌های زائد.
- 10- شفاف سازی اقتصاد و سالم سازی آن و جلوگیری از اقدامات، فعالیت‌ها و زمینه‌های فسادزا در حوزه‌های پولی، تجاری و ارزی.
- 11- تقویت فرهنگ جهادی در ایجاد ارزش افزوده، تولید ثروت، بهره‌وری، کارآفرینی، سرمایه‌گذاری و اشتغال مولد و اعطای نشان اقتصاد مقاومتی به اشخاص دارای خدمات برجسته در این زمینه.
- 12- تبیین ابعاد اقتصاد مقاومتی و گفتمان سازی آن به‌ویژه در محیط‌های علمی، آموزشی و رسانه‌ای و تبدیل آن به گفتمان فراگیر و رایج ملی.
- یک نکته در بحث اقتصاد مقاومتی این است که اصول و قواعد کلی مطرح شده صرفاً معطوف به کشور ما نیست، بلکه ما نسخه مربوط به خودمان را نیاز داریم.
- به عنوان مثال بر اساس مطالعات صورت گرفته، حدود 13 نظریه اقتصادی مرتبط با اقتصاد مقاومتی را در دانشگاه‌های جهان وجود داشته و می‌توان مثال شاخص‌های اقتصاد آلمان را بسیار مبتنی بر اقتصاد مقاومتی دانست. از جمله این شاخص‌ها می‌توان به اقتصاد مردمی بودن، مبتنی بر تولید ملی بودن، درون‌زا بودن و برون‌گرا بودن اقتصاد آلمان اشاره نمود که همگی کلیدواژه‌های اقتصاد مقاومتی می‌باشند. یا به عنوان مثال اقتصاد تمام کشورها همواره در معرض خطر شوک‌های اقتصاد جهانی است. لذا این امر معطوف به ایران یا کشورهای در حال توسعه نیست.
- به عنوان مثال دیگر آقای مرتضی نیازی، از پژوهشگران اقتصادی کشور می‌گوید:
- «جهان امروز دربردارنده فرصت‌ها و تهدیدات گوناگونی است که بر اثر شوک‌های برون‌زای موجود در آن به وجود آمده است. بدین مفهوم که با گستردگی روابط تجاری و وابستگی هرچه بیشتر اقتصاد جوامع گوناگون به یکدیگر، ایجاد شوک‌های برون‌زا که تأثیرات بسزایی بر اقتصادهای ملی داشته باشد، ناگزیر است.
- لکن این شوک‌های برون‌زا دربردارنده فرصت‌ها و تهدیدات بالقوه‌ای است که کشورهای مختلف جهان بنا بر اقتضائات اقتصادی خود، امکان بهره‌مندی و یا متضرر شدن از این شوک‌ها را دارند.
- برای مشخص شدن بحث، به شوک (بحران) مالی سال 2008 میلادی اشاره می‌گردد که با وقوع خود، تهدیدات و فرصت‌های فراوانی را برای کشورهای مختلف جهان، حتی کشورهایی که در ایجاد آن هیچ نقشی نداشتند، به همراه آورد.
- در خلال این شوک، بسیاری از کشورهای اروپایی درصدد کاهش تهدیدات و شدت خسارت آن بودند، در صورتی که کشوری چون چین به دنبال بهره‌مندی حداکثری از فرصت به‌وجودآمده بر اثر این شوک بود.
- این بدان معناست که شوک‌های برون‌زا دربردارنده فرصت‌ها و تهدیدات بالقوه هستند که هنر کشورها و اقتصاد آن‌هاست که از فرصت‌ها حداکثر بهره را برده و تهدیدات آن را به حداقل برسانند.
- ادبیات معطوف به این حوزه از علم اقتصاد در پی انتشار اولین کتاب از کلوپ رم در سال 1970 میلادی به وجود آمد که تحت عنوان «محدودیت‌های رشد» به فارسی نیز ترجمه شده است.

این مفهوم که از آن به جهندگی^{۱۲} یا حالت ارتجاعی یاد می‌شود، در بردارنده‌ی این اصل است که چگونه کشورها انعطاف‌پذیری خود را برای حداکثر کردن بهره‌مندی خود از فرصت‌های به‌وجودآمده از شوک‌های برون‌زا را افزایش دهند و همچنین چگونه تاب‌آوری خود را در برابر تهدیدهای به‌وجودآمده از این ناحیه افزایش دهند تا کمترین خسارت‌ها را متحمل شوند.

به عبارت دیگر، مفهوم جهندگی بیان می‌دارد که وقوع شوک‌های برون‌زا در اقتصاد جهانی و برای هر کشوری، حتی کشورهای صنعتی نیز ناگزیر است و نمی‌توان از آن به‌طور کامل اجتناب کرد، لکن آنچه مهم است چگونگی واکنش به این شوک‌هاست؛ چراکه معتقد است شوک‌های مذکور سرشار از فرصت‌ها و تهدیدات است و باید به دنبال آن بود که از فرصت‌ها نهایت بهره‌برداری را کرد و از تهدیدات تا جایی که امکان دارد اجتناب کرد و این مهم جز با افزایش انعطاف‌پذیری و تاب‌آوری اقتصاد ملی میسر نیست.

شایان ذکر است که اهمیت مفهوم جهندگی به حدی است که مبنای گزارش‌های سالانه‌ی سازمان‌های جهانی، بالأخص بانک جهانی، در سال‌های 2013 و 2014 میلادی بوده است. همچنین در آخرین بیانیه‌ی گروه موسوم به G20 نیز بر همین مفاهیم تأکید شده است.

انعطاف‌پذیری و تاب‌آوری مورد نظر اقتصاد مقاومتی بوده که از آن به‌عنوان برون‌زایی و درون‌گرایی یاد شده است. به عبارت بهتر، اقتصاد مقاومتی نیز بر اجتناب‌ناپذیر بودن و در معرض شوک‌های برون‌زا قرار گرفتن اقتصاد ملی صحه گذاشته و به دنبال اتخاذ تدابیری است که بتواند از فرصت‌ها حداکثر استفاده را برده و از تهدیدها تا سرحد امکان اجتناب کند و این امر میسر نمی‌گردد، مگر با تعامل سازنده با دنیای خارج؛ چراکه فرصت‌ها در مقابل کشورهای دیگر به دست می‌آید و تهدیدها بر اثر رابطه‌ی تجاری قوی با سایر کشورها کاهش می‌یابد.

این خود مفهوم اصلی برون‌زا بودن اقتصاد مقاومتی در عین درون‌گرایی است؛ چراکه هیچ‌گاه یک اقتصاد منزوی، قدرت بهره‌مندی از چنین فرصت‌ها و مقابله با این تهدیدها را نخواهد داشت»

آقای امرالله امینی بی‌اورم پیرامون نقدی بر اقتصاد مقاومتی، نظریات اقتصادی و پیش‌فرض‌ها، به نکاتی جالب اشاره می‌نماید: «نکته دیگری که بایستی در تحلیل‌ها حتماً مورد توجه باشد که در تئوری‌های اقتصادی آن را ثابت در نظر گرفته‌ایم، اقتصاد سیاسی است. در اقتصادهایی مثل ایران یا کشورهای جهان سوم اقتصاد محض مطالعه نمی‌کنیم، بلکه با اقتصاد سیاسی سر و کار داریم. توجه داشته باشیم که یک اظهار نظر و یک حرکت سیاسی چقدر روی متغیری مثل نرخ ارز تأثیر دارد، در حالی که این مسائل در نظریه‌های اقتصادی، مثل اقتصاد خرد و کلان، ثابت فرض شده است؛ بنابراین اقتصاد تدریس می‌شود، اما اقتصاد سیاسی تدریس نمی‌شود و اگر اقتصاد سیاسی مطالعه نشود، دچار مشکل می‌شویم. در کشورهای صنعتی امور اقتصادی و سیاسی و اجتماعی طبقه بندی شده است و هر چیز، در جای خودش قرار دارد، ولی در ایران این‌طور نیست. مثلاً در اقتصاد ایران رفتار دولت را در تابع تولید، ثابت فرض می‌کنیم. در تئوری‌های اقتصادی رفتار دولت در تابع تولید یا تابع رفاه و غیره ثابت است در حالی که در ایران این امر مفروض نیست؛ یعنی در واقع رفتار دولت ثابت نیست و دولت هر روز رفتار خاص و تصمیم‌گیری‌های متفاوت و گاه متضاد می‌گیرد.

با این مقدمه، مسئله این است که اگر ما می‌خواهیم بنای یک اقتصاد مقاومتی را درست کنیم، ابتدا باید ویژگی‌های اقتصاد ایران را بشناسیم تا بتوانیم این بنا را بر آن استوار کنیم. اقتصاد ایران در شرایط فعلی دو ویژگی دارد:

- اقتصاد ایران اقتصادی دولتی است

- اقتصاد ایران وابسته به نفت است

با نگاهی به تولید ناخالص داخلی کشور مشاهده می‌شود که سهم دولت در اقتصاد بیش از ۷۵ درصد است که به معنی اقتصاد دولتی است. بخش خصوصی و مردم نقش چندانی ندارند و اگر هم دارند بسیار کم است.

این دو ویژگی تبعاتی در اقتصاد ایران ایجاد می‌نماید و نمی‌توان به این تبعات جداگانه نگاه کرد. اگر می‌خواهیم کار ایرانی را بررسی کنیم باید بهره‌وری کار را هم بررسی کنیم. اقتصاد دولتی و اقتصاد وابسته به نفت، سطح تولید ملی را کاهش داده است و به تبع آن تولید سرانه هم پایین است و هیچ تحرکی در تولید نمی‌بینیم. بهره‌وری در کنار کار باید مورد توجه قرار گیرد ولی مورد توجه ما نیست و همواره صرف کار مطرح است در حالی که بهره‌وری مهم است. مثلاً امروز در صنعت خودرو قیمت خودرو بالا است. علت قیمت بالا در این است که بهره‌وری صنعت خودرو کمتر از ۵۰ درصد است، کارایی آن نیز کمتر از ۵۰ درصد است. مدام عنوان می‌شود که چه کاری باید انجام شود تا در عرض دو هفته قیمت خودرو پایین بیاید، وقتی بهره‌وری پایین است چنین امری امکان‌پذیر نبوده و قیمت پایین نمی‌آید. اگر مدام، سرمایه به این صنعت تزریق شود قیمت کاهش نمی‌یابد تا بهره‌وری عوامل تولید رشد نکند قیمت خودرو کاهش نخواهد یافت.

نکته دیگر اینکه ساختار اقتصادی ایران نامتعادل شده است و علت آن توزیع نامناسب درآمدهای نفتی است. ساختار نامتعادل به این معنی است که یک بخش خیلی بزرگ شده است، نقدینگی به سمت کالاهای غیرفیزیکی رفته و تولید افت کرده است. به عنوان مثال شرکت‌های سرمایه‌گذاری که سرمایه‌های هنگفتی دارند وارد تولید نمی‌شوند و بیشتر این شرکت‌ها در سال گذشته، ۹۵ درصد سودشان را خرید و فروش ارز و طلا بوده است. وضعیت اکثر شرکت‌های سرمایه‌گذاری به همین منوال هستند.

بحث بعدی که ریشه در اقتصاد دولتی دارد بحث تورم، بیکاری، کم‌کاری و وابستگی بسیار شدید به واردات است. مدام می‌شنویم که صحبت از توقف واردات است. ولی در سال‌های پیش تکیه بر واردات بود؟ دلیل آن این است که الان با محدودیت فروش نفت مواجه هستیم.

نکته دیگر در اینجا که بسیار مهم است این است که درآمد حاصل از نفت چگونه توزیع شده است. امروزه روستاها خالی از سکنه شده است. علت چیست؟ علت آن توزیع نامناسب درآمد است. توزیع نامتناسب درآمد مسئله‌ای است که باید به آن توجه کرد. چه کسانی یک‌شبه چندین میلیارد درآمد کسب کرده‌اند؟

اما به بحث کارپردازیم که بیشتر بحث این جلسه است. فرض کنید می‌خواهیم سیاست‌گذاری کنیم. ملاحظه بفرمایید که تعطیلات رسمی در ایران ۲۵ روز است (در سطح جهان ۷ تا ۱۰ روز). اگر پنجشنبه‌ها و جمعه‌ها را هم اضافه کنیم ۱۲۹ روز تعطیلی داریم. ۳۰ روز هم مرخصی کارمندان است. لذا تعطیلات ۱۵۹ روز است. اگر روزهای بین تعطیلی و روزهایی که از آلودگی هوا و غیره تعطیل می‌شود به آن اضافه شود ۱۶۹ روز تعطیلی داریم که تقسیم به ۳۶۵ روز، حدود ۴۷ تا ۵۰ درصد سال تعطیلی داریم؛ یعنی از ۳۶۵ روز، بیش از ۱۸۰ روز کار در ایران انجام نمی‌گیرد. برای دانشجویان، دانش‌آموزان و معلمان هم تعطیلات دیگر هست. لذا برای این دسته از افراد ۲۶۰ روز تعطیلی وجود دارد که اگر تقسیم بر ۳۶۵ بنمائیم، این گروه از افراد در سال حدود ۷۷ درصد تعطیلی دارند. در مورد کارمندان هم که اشاره شد ۱۸۰ روز در سال کار می‌کنند. البته بحث ساعات مفید

کار خیلی مهم است. طبق گفته دولت، ۲۰ درصد از ساعات کار در کشور به صورت مفید است؛ یعنی کسی که در اداره شاغل است، ۲۰ درصد از ۸ ساعت را کار می کند. ۲۰ درصد از ۱۸۰ روز یعنی در ایران ۳۶ روز در سال کار مفید انجام می گیرد. اگر می خواهیم ۳۶ روز کار کنیم، نمی توانیم امیدوار بود که وضعیت اقتصادی ما بهتر شود.

می دانیم که اقتصاد دانش بنیان بر اساس ذخایر بشری بوده و اجزای تشکیل دهنده ذخایر بشری نیز عبارتند از دانش آشکار که دارای سهم ۱۰ درصدی و دانش ضمنی که دارای سهم ۹۰ درصدی است. دانش ضمنی همان کار است؛ یعنی باید کار کنیم و دانش کسب کنیم. تجربه ای که از کار ضمنی به دست می آوریم، بیان کننده کار سازمان یافته است و ایجاد کننده ظرفیت اقتصادی است؛ یعنی کار ظرفیت ما را می سازد و دانش آشکار ظرفیت ما را نمی سازد؛ بنابراین ظرفیت سازمانی در اقتصاد توسعه، مهم ترین عامل است؛ یعنی اگر می خواهیم توسعه پیدا کنیم، باید ظرفیت سازمانی را بالا ببریم. ظرفیت سازمانی نیز به تدریج قابلیت افزایش داشته و آنی به دست نمی آید.

می دانیم که در ربع قرن حاضر شتاب اختراعات خیلی زیاد شده است مثلاً زمانی یک اختراع ۱۰۰ سال طول می کشید. در ۱۹۵۰ میلادی، زمان مفید اختراعات سی سال شد. تا چند سال پیش زمان یک اختراع سه سال بود. الآن هم زمان یک اختراع جدید کمتر از یک سال شده است. این امر با کار زیاد و ظرفیت سازمانی ایجاد شده است و اینها هستند که بنیه اقتصادی را می سازند و در مواجهه با مشکلات و تغییرات، ظرفیت سازی می کنند. زمانی می توانیم تغییری را به فرصت تبدیل کنیم که سازمان دهی که خود حاصل کار است، داشته باشیم. به همین خاطر است که مثلاً وقتی درآمد نفت در ایران زیاد می شود، چون ظرفیت سازمانی بالایی در کشور وجود ندارد، یک مرتبه عنوان می شود که واردات کنیم؛ زیرا ظرفیت سازمانی مدیریت صحیح نداریم و این باعث می شود که از خودمان واکنش نشان دهیم و این افزایش قیمت نفت به ضد خودش تبدیل می شود. الآن می گوئیم ای کاش نفت نداشتیم. نفت خوب است، اما توزیع آن ناعادلانه است. ظرفیت سازی درستی صورت نگرفته است. امروز صحبت از نفرین منابع است. طبیعی است که وقتی ظرفیت سازی نکردیم، نفت برای ما نفرین است و گروهی عنوان می کنند که ای کاش نفت نداشتیم.

طبق برنامه اول توسعه کشور ۴۰ درصد جمعیت هیچ نقشی در تولید ملی نداشتند. در برنامه چهارم ۵۰ درصد مردم نقشی در تولید ملی نداشتند. این چه درکی از توسعه است که این سهم از افراد در تولید ملی نقش ندارند. در ۱۹۶۰ میلادی کره ای ها عنوان کردند که ما نفت نداریم، اما آدم داریم و حالا کشوری توسعه یافته هستند. الآن فقط تولید فولاد آنها اندازه نفت ایران فروش دارد. کشتی سازی آنها رشد زیادی کرده است؛ زیرا ما تکیه بر منابع مالی نفت کردیم و منابع را به صورت نامتعادل توزیع نمودیم. نتیجه همه این مسائل این است که بسیاری از روستاهای ما خالی از سکنه شده است و کشاورزی به مشکل برخورد کرده است. الآن واردات گندم داریم. چرا واردات می کنیم؟ ما که کشاورزی داریم الآن درکی که بین مردم رایج است اینکه کار نکن و پول در بیاور. دانشجویی دارم که می گوید خیلی اشتباه کردم کارشناسی ارشد خواندم. گفتم چرا؟ گفت در بازار مشغول کار شدم و ملاحظه کردم که چقدر به لحاظ درآمدی عقب بوده ام. این نوع توزیع درآمد، این نوع رانت نفت باعث می شود که اشتغال مولد از بین برود. باید از کار حساسیت زدایی بشود.

حالا تا ما نتوانیم این دو موضوع را که به نحوی وابسته به هم هستند را حل نکنیم، مسئله ای به نام کار و از همه مهم تر بهره وری کار و عوامل دیگر تولید از جمله سرمایه که در ایران بسیار پایین است حل نخواهد شد»

«سه مسئله پایداری، رقابت‌پذیری و رفاه بیشتر، باعث بهره‌وری می‌شوند؛ اما امروزه این بحث است که با ورود به جهان دانایی، مسئله بهره‌وری اهمیت بیشتری پیدا کرده است؛ زیرا انقلاب دانایی بیشترین کاربردش ایجاد بهره‌وری است. انقلاب دانایی به معنای سرعت، شتاب در جهت افزایش رفاه و تولید ملی است»

«در اقتصاد سیاسی رانتی به صورت نهادمند و نظام‌مند، انگیزه بهره‌وری تضعیف می‌شود؛ یعنی اقتصاد ایران به صورت سیستماتیک و نظام‌مند به سمت از بین رفتن انگیزه‌های بهره‌وری پیش می‌رود. به دلیل اینکه در اقتصاد سیاسی وابسته به نفت، فعالیت‌هایی تشویق می‌شود که بجای ارتقای دانایی، پیشرفت فنی و علمی و بهره‌وری، به سمت فعالیت‌های حداکثر نمودن سود خود، بدون کار و بهره‌وری باشد و بهره‌وری تضعیف می‌شود. در اینجا که مدیریت سیاسی باید تدابیری بیندیشد که با این مسئله مبارزه کند. مثلاً در ایران یکی از مصادیق این مسئله این است که سهم اشتغال دانش‌آموختگان در بخش خصوصی حدود ۲ درصد است و ۹۸ درصد باقی‌مانده شاغلین، تحصیلات کمتر از دیپلم دارند. با قاعده موازین اقتصاد سیاسی رانتی، بخش خصوصی متوجه شده است که در این اقتصاد حداکثرسازی سود مستلزم حداکثرسازی دانایی نیست و برای حداکثرسازی سود، باید خود را به مرکز رانت نزدیک کند، یا مثلاً رفتار بخش خصوصی در زمینه هزینه‌های تحقیق و توسعه این‌طور است که سرمایه‌گذاری در این زمینه اندک است و متوجه می‌شوید که این‌ها فهمیده‌اند که حداکثرسازی سود، مستلزم حداکثرسازی دانایی نیست. در ایران از نظر سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه، ۹۰ درصد در بخش دولتی و ۱۰ درصد در بخش خصوصی و این ۱۰ درصد هم با احتساب بخش تحقیقات بانک‌ها و شرکت‌های دولتی و نیمه‌دولتی است.»

رقابت‌پذیری

رقابت‌پذیری، فرآیندی است که هر نهادی می‌کوشد تا از طریق آن، بهتر از دیگری عمل کرده و از وی پیشی گیرد. در واقع می‌توان از آن به عنوان تلاشی یاد کرد که بنگاه اقتصادی، صنعت یا کشور، برای برتری یافتن نسبت به بنگاه اقتصادی، صنعت یا کشوری دیگر در عرصه رقابت، انجام می‌دهد. در سطح بین‌المللی، کشورها به دلیل کمبود منابع مالی، فنی و تخصصی لازم، می‌بایستی برای رسیدن به ثروت و بهره‌مند ساختن آحاد جامعه خود از رفاه، با یکدیگر به رقابت پردازند. از این‌رو، کسب توانمندی‌های رقابتی در جهان امروز به یکی از چالش‌های اساسی کشورهای مختلف در سطح بین‌المللی تبدیل شده است. برای برخورداری از توان رقابتی، عوامل مختلفی باید وجود داشته باشند. مهم‌ترین عوامل و شاخص‌های اصلی رقابت‌پذیری در دو سطح ملی و بین‌المللی عبارتند از:

- استاندارد سطح زندگی

- تجارت

- بهره‌وری

- سرمایه‌گذاری

ترکیب این عوامل با یکدیگر، تعیین‌کننده میزان رقابت‌پذیری یک کشور در بعد بین‌المللی است. فن‌آوری می‌تواند در هر یک از عوامل یادشده، نقشی اساسی ایفا کند. به کمک فن‌آوری می‌توان زیرساخت‌های لازم برای سرمایه‌گذاری را فراهم آورد. همچنین، فن‌آوری باعث افزایش میزان کارایی تولید و به تبع آن افزایش بهره‌وری می‌شود.

از سوی دیگر، فن آوری به ارتقا و تسهیل تجارت، کمکی قابل توجه می‌کند. در سطح بنگاه‌های اقتصادی، فن آوری از عوامل مهم افزایش توان رقابت‌پذیری محسوب می‌شود زیرا از طریق تبلور در متمایزسازی محصولات، کاهش هزینه‌ها و ایجاد فرصت‌های جدید کسب و کار به بنگاه‌های اقتصادی در کسب مزیت رقابتی کمک می‌کند. در واقع، فن آوری می‌تواند با کاهش قیمت تمام‌شده محصولات، بهبود کیفیت محصولات یا خدمات تولیدی و تغییر مشخصات محصولات، عاملی برای رقابت‌پذیری بنگاه‌های اقتصادی در عرصه بازارهای جهانی و منطقه‌ای باشد. در سطح صنعت، اگر آن صنعت توانایی بهبود، توسعه و نوآوری تکنولوژیکی را داشته باشد و بتواند با استفاده از سازوکارهای مناسب به انتشار فن آوری در بنگاه‌های اقتصادی زیرمجموعه خود کمک کند، با افزایش سطح توانمندی‌های مجموعه بنگاه‌های خود، به سوی رقابت‌پذیری گام بر خواهد داشت اما عامل رقابت‌پذیری و حضور در بازارهای مختلف، صرفاً عامل پیدایش و اهمیت یافتن مدیریت فن آوری در عرصه ملی و بین‌المللی نبوده است. عوامل متعدد دیگری همچون محدود بودن منابع تکنولوژیک، سرمایه‌گذاری‌های کلان برای نوآوری و توسعه فن آوری، دشواری دستیابی به فن آوری‌های توسعه‌یافته توسط دیگر بنگاه‌ها، پررنگ شدن حمایت از حقوق مالکیت معنوی و ... ضرورت روزافزون مدیریت این منبع حیاتی را در سطوح مختلف آشکار ساخته است.

تأثیر فن آوری اطلاعات در رقابت‌پذیری

فن آوری اطلاعات و ارتباطات از سه طریق می‌تواند در رشد اقتصادی کشور تأثیر بگذارد:

1- رشد بهره‌وری کلیه عوامل در بخش‌های تولیدکننده فن آوری اطلاعات و ارتباطات

2- افزایش سرمایه

3- رشد بهره‌وری کلیه عوامل از طریق سازمان‌دهی مجدد و به‌کارگیری فن آوری اطلاعات و ارتباطات

یکی از جنبه‌های انقلاب فن آوری اطلاعات و ارتباطات، رشد قابل توجه بهره‌وری کلیه عوامل در صنایع تولیدکننده محصولات فن آوری اطلاعات و ارتباطات است. این رشد خارق‌العاده ناشی از پیشرفت سریع فن آوری در این بخش از صنعت بوده است. از مهم‌ترین نمونه‌های رشد سریع فن آوری در این صنعت، رشد سریع قدرت محاسبه محصولات جدید فن آوری اطلاعات و ارتباطات است. چنین سرعت بالایی در پیشرفت فن آوری، معادل رشد سریع بهره‌وری کلیه عوامل در بخش تولیدکننده محصولات فن آوری اطلاعات و ارتباطات است که به نوبه خود موجب رشد میانگین بهره‌وری کلیه عوامل اقتصادی می‌شود. واقعیت آن است که نفوذ و گسترش فن آوری اطلاعات و ارتباطات نیازمند تقاضا برای کالاها و خدمات آن است؛ بنابراین، کاربری و استفاده از فن آوری اطلاعات و ارتباطات برای بهبود فرآیندهای تولید، تسهیل تجارت، افزایش بهره‌وری و در ابعاد مختلف زندگی در کانون توجه کشورها قرار دارد.

جنبه دیگری که فن آوری اطلاعات و ارتباطات از آن طریق به رشد اقتصادی کمک می‌کند، جذب سطح بالایی از سرمایه در بخش فن آوری اطلاعات و ارتباطات است که باعث تولید محصولات جدید و افت قیمت محصولات فن آوری اطلاعات و ارتباطات می‌شود. افزایش سرمایه‌گذاری در بخش فن آوری اطلاعات و ارتباطات باعث افزایش نسبت سرمایه به تعداد کارکنان در این صنعت می‌شود که به معنی تعمیق سرمایه در فن آوری اطلاعات و ارتباطات است.

سومین جنبه از تأثیر فن آوری اطلاعات و ارتباطات در رشد اقتصادی، تأثیرات بلند مدت آن است که علی‌رغم بلند مدت بودن، تأثیرات عمیقی در پیشرفت و تحول جامعه دارد. پیشرفت‌های فن آوری اطلاعات و ارتباطات پتانسیل بسیار بالایی در به هم

ریختن و سازمان‌دهی مجدد تولید و توزیع محصولات، خدمات و نحوه فعالیت‌های اجتماعی دارند. این تغییرات به تسهیل و تسریع انجام امور و افزایش کارایی و بهره‌وری اقتصادی بسیار کمک خواهند کرد. گسترش سریع حجم استفاده از فن‌آوری اطلاعات اهمیت مسئله را نزد سازمان‌ها نیز بیشتر کرده و رقابت سازمان‌ها در این زمینه افزایش یافته و دسترسی به فن‌آوری اطلاعات به عامل اصلی بقا در این محیط رقابتی تبدیل شده است. صاحب‌نظران از تغییرات بنیادی‌تری خبر می‌دهند که می‌تواند دوره‌ی زمانی حاضر را به اساسی‌ترین دوره‌ی گذار در تاریخ بشری تبدیل کند. برخی تخمین‌ها نشان می‌دهد که از ابتدای دهه‌ی 1980 میلادی، حدود نیمی از کل سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در سازمان‌ها در زمینه‌ی فن‌آوری اطلاعات بوده است. از این رو فن‌آوری اطلاعات، عامل پر قدرت تغییرات اقتصادی و اجتماعی شناخته می‌شود.

البته نکته دیگر در مورد تأثیر اقتصاد مقاومتی بر مدیریت دانش است که خود مدیریت دانش از عوامل مهم بهره‌وری در عصر حاضر است. فن‌آوری اطلاعات علاوه بر نقش توانمندسازی، به عنوان یکی از زیرساخت‌های مهم در پیاده‌سازی فرآیند مدیریت دانش نیز شناخته شده است. اکثر محققان معتقدند که بزرگ‌ترین عامل موفقیت مدیریت دانش در عصر حاضر ظرفیت‌هایی است که فن‌آوری اطلاعات برای آن ایجاد می‌کند.

نتیجه‌گیری:

با توجه به مقدمات و توضیحات ارائه شده، نتیجه می‌گیریم که یکی از مهم‌ترین عواملی که به‌طور کلی اقتصاد یک کشور و اقتصاد کشور ما را نسبت به تهدید آسیب‌های متعدد و مختلف تا حدود زیادی مقاوم می‌کند، افزایش بهره‌وری است. از طرفی افزایش بهره‌وری جزو اهداف اصلی اقتصاد مقاومتی است و جدای از اهمیت خود بهره‌وری به تنهایی، از نتایج مهم آن افزایش توان رقابتی است. یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در بهره‌وری و رقابت‌پذیری، نقش فن‌آوری است. فن‌آوری اطلاعات، شاخص‌ترین فن‌آوری مورد بحث در جامعه اطلاعاتی امروزی است که اثر خود را هم در بهره‌وری مستقیم بخش تولید و هم در بهره‌وری خدمات می‌گذارد. شاید بهره‌وری بخش خدمات مهم‌تر بوده و در جامعه ما مغفول‌تر است و به‌طور غیرمستقیم بر بهره‌وری تولید نیز اثرگذار می‌باشد. اکنون که کشور شرایط تحریم و رکود اقتصادی را تجربه می‌کند، پیاده‌سازی و اجرای همه-جانبه اقتصاد مقاومتی بر اساس ابتکار و نگرش حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، نه تنها در شرایط کنونی، بلکه در هر شرایطی با تکیه بر تولید داخلی، عدالت اجتماعی و اعتمادسازی عمومی، موجب رونق اقتصادی، افزایش مستمر بهره‌وری و رقابت‌پذیری شده و به عبارتی توان رقابتی جمهوری اسلامی ایران را در عرصه جهانی بهبود می‌بخشد.

مراجع:

1- فنایی، سید مجتبی، روزبهان، محمود و ذاکری، ناصر، اقتصاد نظری، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، 1380

- 2- <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=26023>
- 3- <http://rajaeepowerplant.ir/node/1269>
- 4- <http://didban.ir/fa/news-details/9776/>
- 5- <http://www.taraznews.com/content/98169>
- 6- <http://www.hawzah.net/fa/Article/View/93728>
- 7- <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13930318001189>
- 8- <http://www.jamnews.ir/detail/News/444719>

- 9- http://www.aftabir.com/articles/view/applied_sciences/management/c12_1341658416p1.php/%D9%86%D9%82%D8%B4-%D9%85%D8%AF%DB%8C%D8%B1%DB%8C%D8%AA-%D9%81%D9%86%D8%A7%D9%88%D8%B1%DB%8C-%D8%AF%D8%B1-%D8%A7%D9%81%D8%B2%D8%A7%DB%8C%D8%B4-%D8%AA%D9%88%D8%A7%D9%86-%D8%B1%D9%82%D8%A7%D8%A8%D8%AA%DB%8C-%D8%A8%D8%A7-%D8%B1%D9%88%DB%8C%DA%A9%D8%B1%D8%AF
- 10- <http://www.zibaweb.com/PRODUCTIVITY.htm>
- 11- <http://www.daneshnamah.com/old/index.php/dictionary>
- 12- www.fsmcenter.ir/.../829d7cfef1afcceed9370c651573
- 13- <http://hamayesh.mpnu.ac.ir/home/news?id=235>
- 14- <http://nipo.spac.ir/Portal/Home/ShowPage.aspx?Object=News&ID=0e4938af-51ad-4ac0-b799-61c2e50be0e1&LayoutID=c110cc66-71ae-45ff-8799-6057c28a8f32&CategoryID=6c9f8f7f-922b-4384-84e0-717c7eef973e>